

خودشناسی

جلسه خودشناسی - تاسوعای ۱۴۰۴

استاد حسین نوروزی

نهم ماه محرم (۱۴ تیر ۱۴۰۴)

* متن تولید شده با هوش مصنوعی - ادیت نشده

خدای متعال در قرآن می‌فرماید که افح حسبتم انما خلقناکم ابث و انکم الینا لا ترجون آیا گمان کرده‌اید که خدای متعال شما را عبس و بیهوده آفریده و هیچ هدفی ندارید. و هدف شما رسیدن به حق و خدا نیست و فطرت شما حق طلب نیست خودتون رو چگونه شناختید چه حسابی برای خودتون باز کردید خیال کردید که یه موجوداتی هستید که خدا خلق کرده که بخورید و بخوابید. وی زندگی مادی طبیعی حیوانی داشته باشید یا نه شما حق طلب هستید شما حقیقت خواه هستید شما دنیا طلب نیستید خدا شما رو دنیا طلب خلق نکرده نمی‌خواید خودتونو بشناسید افتم انما خلقناکم عبثا یعنی شما خیال کردید که دنیا طلبید. این خواسته‌هایی که شما دارید خیال کردید خواسته‌های شماست چقدر خواسته داریم چقدر حاجت داری اینا خواسته‌های شما نیست تو مجلس امام حسینم که آمدی بازم با حاجت اومدی حاجت‌ها رو بریز دور اینجا که میای بی حاجت بیا شما فقط یک حاجت بیشتر ندارید و انکم الینا لا ترجون ملاقات با خداست. همه شما حق طلبید همه شما حقیقت خواهید خیال می‌کنی دنبال پولی پول می‌خوای اشتباه می‌کنی خواسته شما پول نیست نه اینکه خواسته شما نباید پول باشه نیست خبر نداری فطرت شما پول نمی‌خواد وقتش برسه هر چی داری خرج می‌کنی به خاطر حقیقت بشناس خودتو. خودتو پیدا کن چقدر ما رو دعوت کردن به خودشناسی بفهم کی هستی برای چی خلق شدی فطرتت چی می‌خواد خواسته واقعییت چیه تا حالا عصبانی نشدی به فروش نیومدی خشم نگرفتی عصبانی شدن یعنی چی یعنی خدا خواهی تا حالا فکر کرده بودی که عصبانیت یعنی چی داغ می‌کنی جوش می‌ای. میگن چی شده بگی پولمو خورده میگن خوب پولتو خورده چقدر بوده ۱۰۰ میلیون خب تو چیکار کردی رفتم ازش شکایت کردم تا حالا چقدر خرج کردی که ۱۰۰ میلیونو بگیری یه میلیارد اینکه جور در نیامد که نه به من نارو زده سرم کلاه گذاشته نمی‌تونم من تحمل کنم. زیر بار زور نمیتونم برم نمیرم شده ۱۰ برابر اون پولو خرج کنم خرج می‌کنم یعنی چی یعنی من دنبال پول نیستم من دنبال حقم خدا منو حقیقتخواه آفریده پولت داره از بین میره خوب بره انی لانوالی با پول پول چه اهمیتی داره در برابر حق حق منو خورده. از اعتماد منسوع استفاده کرده حق چقدر می‌ارزه اینکه درست

اینجا عمل کرده یا درست عمل نکرده باید همه چیزو با هم دید و سنجید بعد گفت درست عمل کرده یا درست عمل نکرده کاری به عملکردش نداریم می‌خوایم فطرت حقیقت جوی انسان رو پیدا کنیم بفهمیم همون حقیقت خواهی پاش بیفته از همه چیزمون می‌گذریم. قید همه چیزو می‌زنیم می‌گیم اما قید حقو نمی‌شه زد حضرت علی اکبر به امام حسین روز عاشورا چی عرض کرد وقتی حضرت اومد به اصحاب فرمود همه شما شهید میشید کشته میشید گفتن که خب کشته می‌شیم فرمود بله خب بشین چه اهمیتی داره خوب پس چی اهمیت داره من دارم میگم کشته میشین دیگه دیگه بالاتر از این دیگه کشته میشید یعنی دیگه. گفتن نه اینم مهم نیست بر حقیق یا بر حق نیستیم حق با ماست یا حق با ما نیست حضرت فرمود به خدا قسم حق با ماست حضرت علی اکبر فرمود چی انی لا نوالی بالموت برای ما مردن دیگه مهم نیست مهم این بود که حق با ما باشه این فطرت همه انسان‌هاست فقط بهش توجه نداریم حواسمون نیست. خیال می‌کنیم ما دنیا طلبیم دنیا خواهیم پول می‌خوایم خونه می‌خوایم زندگی می‌خوایم خیال می‌کنیم اومدیم اینجا تو مجلس امام حسین یه خواسته‌هایی هم تو ذهنمون داریم که حاجت‌هامون برآورده بشه خیال می‌کنی که حاجتات اوناست اونی که شما را آورده اینجا خود امام حسین خود امام حسینو می‌خوای خوب به دلت نگاه کن اگر ازت بپرسن. محبت حسینو ازت می‌گیریم هرچی بخوای بهت میدیم پول می‌خوای پول بهت میدیم محبت امام حسین ازت می‌گیریم عوض می‌کنی محبت امام حسین از ما بگیرن جهنم دنیا میشه جهنم حقیقتو ازت می‌گیریم می‌خوای اومد خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد که آقا ما فقیریم یه دعایی بفرمایید که خدا این فقر رو از ما برطرف کنه. حضرت فرمود که نه نه شما فقیر نیستید گفت آقا من میگم فقیرم من دستم خالیه چیزی ندارم باز حضرت فرمود نه نه شما فقیر نیستید گفت آقا چطور من فقیر نیستم خب من خودم که خبر دارم از زندگی حضرت فرمود اگر همه دنیا رو بهت بدن حاضری دست از محبت ما و ولایت ما برداری گفت نه به خدا قسم گفت پس دیدی فقیر نیستی. یه مراجعه به دلت کن همه دنیا رو بهت بدم بگن دست از محبت خدا و اولیا خدا و خوبان الهی بردار برمی‌داری افح حسبتم انما خلقناکم ابدا شما خیال کردید خواسته‌های شما همین خوردن و خوابیدن و زنده بودن ما چون خودمون نمیدونیم کی هستیم نمی‌دونیم چی می‌خوایم خیال می‌کنیم. اومدیم که زنده بمونیم همه تلاشمونم داریم می‌کنیم تو زندگی که یه وقت نمیریم به موقع دکتر بریم به موقع دارو بخوریم به موقع غذا بخوریم به موقع ورزش کنیم به موقع گردش کنیم به همه چیمون سر یه وقت نمیریم اشتباه می‌کنی این نیست تو اینو نمی‌خوای نمی‌خوای زنده باشی می‌خوای زندگی کنی زنده بودن هدف انسان نیست گرچه باید زنده هم باشه ولی هدفش نیست. به چه قیمتی زنده باشم از خودت سوال کن جوابشو تو خودت پیدا بکنی فطرت ببین چی میگه ته دلت ببین چی میگه اون خودتی اون خودتی نه اونی که تو ذهنت سر دلت خیال می‌کنی می‌خوای وقتش برسه همه رو فدا می‌کنی برای حقیقت میگه حق با من هست یا حق با من نیست اگر حق با منه دیگه مهم نیست چی میشه. چه اتفاقی میفته هرچی

می‌خواد بشه هرچی می‌خواد بشه قید همه چی رو می‌زنی موقعی که عصبانی میشی چه جور می‌گن
دیگه کسی که خشم گرفته هیچی دیگه متوجه نمیشه قید همه چی رو می‌زنه یعنی اون لحظه لحظه‌ای
است که فطرتش شکوفا میشه رو میاد میگه دیگه هیچی برام مهم نیست مهم اینه که من به حق
برسم فلذا یه کارایی میکنه بعدا میگه من وقتی حالش جا میاد این کارا چی بود من کردم. فطرت
ناخودآگاه همه انسان‌ها الهیه این انسان حالا که فطرت همه ما الهیه همه ما حق طلبیم پس هممون
دیگه بهشتی هستیم دیگه نه خیلی از کارایی که انجام میدیم بر اساس همون فطرت الهی مونه پس
ارزشمند نه همه مشکل کار اینجاست. چطور آخه ارزش نداره فطرت همه ما خداییه داره زندگی‌مونم با
فطرت الهی‌مون اداره میشه دیگه خودمونم خبر نداریم ارزش نداره فطرت شمرم الهی بود کسی که
فطری داره زندگی می‌کنه این زندگی نمی‌کنه این هنوز این زنده است کسی که غریزی زنده میکنه زندگی
نمیکنه زنده است گرسنه‌اش می‌شه می‌خوره تشنش می‌شه می‌نوشه خواهش می‌گیره می‌خواه.
تصمیم نمی‌گیره انتخاب نمی‌کنه خودآگاه نیست آگاهانه نیست نمی‌دونه نمی‌فهمه کیه خودشو
نمی‌شناسه فقط زنده است آدم زنده گرسنش بشه خب می‌خوره دیگه چرا خوردی نمی‌پرسه از خودش
چرا گرسنم بود خوردم چرا خوابیدی خوابم می‌ومد خوابیدم. همه حیوانات همینجورین وقتی چرا مطرح
میشه مسئله تکامل انسان میاد وسط رشد و تکامل مطرح می‌شه حرکت اختیاری آگاهانه شروع می‌شه
اینو بهش می‌گن زندگی از خودش می‌پرسه افحصبتم انما خلقناکم ابدا یعنی فکر نکنید. توجه نکنی
خودتو شناسی سرت پایین باشه حیوانات رو دیدید چه جورین سرش پایینه فقط مشغول خوردن
همینجور می‌گرده اینور اونور یه چیزی پیدا بکنه بخوره بعدم خسته می‌شه یا هوا تاریک می‌شه
می‌خوام فکر نمی‌کنه چرا نمی‌گه من کی هستم از خودش سوال نمیکنه برای چی خلق شدن وکم الینا لا
تررجون. حقیقت همه ما حقیقت طلبیم اما اگر بهمون بگن می‌گیم حق چیه دیگه فطرت همه ما حق
خواه الهی فطرت الله التي فطر الناس علیها اما پس چرا قرآن می‌فرماید اقم وجهک لدین حنیفا رو تو
برگردون به این فطرتت بهشت نگاه کن بفهم که تو اینی این مهمه که توجه کنی به حق. نه اینکه
حقیقت خواه ناخودآگاه در فطرت باشی توجه کنی که من غیر از حق هیچی دیگه نمی‌خوام حضرت علی
اکبر چی عرض کرد به امام حسین گفت آقا من مهم نیست می‌میریم خب بمیر ما تو زندگی‌مون اختیاری
آگاهانه می‌تونیم اینجوری باشیم همه جا همینو بگیم پولت از دست میره پولم از دست میره خب بره.
حق با من هست یا حق با من نیست خونت ویران میشه خوب بشه حق با من هست یا حق با من
نیست مثال بخوام بزنم خیلی مثال هست و همیشه بزنم نمی‌تونم بگم ظرفیتشو هنوز نداریم هممون
ظرفیتشو نداریم همشو بگم همین دم دستیاش که حالا همه می‌گن و گفتن و شنیدین باید قید همه
چی رو بزنیم میتونی بزنی زدی. همه چی یعنی همه چی که نمی‌تونیم بازش کنیم که همه چی یعنی چی
برسی به یه جایی که دیگه بگی بالاتر از سیاهی که رنگی نیست حق با منه یا حق با من نیست هدفی که
من در زندگی خودم انتخاب کردم حقه هیچی دیگه نیست جز خدا هیچ هدف دیگه‌ای ندارم خیلی

مشکله همینه دیگه به این میگن اخلاص نمی‌شه بگی. یعنی واقعا هیچی دیگه مهم نیست کشته بشم بکشم یعنی بکشم ما الان موشک بزنیم مثلاً نمی‌دونم اسرائیل می‌دونی خب یه عده کشته میشن خوب کشته بشن یعنی برات مهم نیست یه عده می‌زنیم کشته می‌شن دیگه خب کشته بشه حق با ما هست یا نیست صحبت اسرائیل نیست همه زندگیمون باید همین باشه فقیر میشی این راهی که تو داری میری. فقیر میشی می‌گه می‌دونم سراغ هر کاری میرم میبینم که توش حق و ناحق زیاده نمی‌خوام از راه نامشروع پول در بیارم من می‌خوام حق با من باشه نمی‌خوام به هر قیمتی پول در بیارم اینجوری باشه فقیر میشی ها باید در تنگ دستی زندگی کنی می‌گه باشه حق با من باشه. حق با من باشه دیگه هیچ فرقی نمی‌کنه چه اتفاقی می‌خواد بیفته ای خدا تو منو اینجوری خلق کردی فطرت من اینه بخوای نخواستی همینه همه مون همینیم توجه نداریم کی به کمالمون می‌رسیم وقتی توجه کنیم معینی خودتو پیدا کنیم هممون گمید یه خواسته‌هایی داریم خیال می‌کنیم ما اونا هستیم. اگر به پول برسیم دیگه به سعادت رسیدیم تمام هیچی دیگه نمی‌خوام اشتباه می‌کنی طرف غرق پوله اومده می‌گه یه چیزی بگو من آروم بشم می‌گم چیزی کم نداری که می‌گه می‌ترسم می‌ترسم پولمو از دست بدم می‌ترسم فقیر بشم چی نداره خودشم فهمیده پول به دردش نمی‌خوره اگر. خیال می‌کرد که پول به دردش می‌خوره نمی‌اومد به من بگه یه چیزی بگو آروم بشم می‌گفت یه پولی بده به من که من خیالم راحت بشه اونم می‌خواست بگه به من به یکی می‌گفت که پول داشته باشه بهش بده خودش غرق پوله می‌بینه فایده نداره دلش شور میزنه خیالش راحت نیست چرا چون حقیقت خواهه خودشم نمی‌دونه نمی‌فهمه کی می‌خوایم خودمونو پیدا کنیم. داره دیر میشه به خدا داره امام زمان میاد عاشق شوهر نه روزی کار جهان سرآید ناخوانده نقش مقصود از کارگاه هستی سراپای وجودمون شده ادعا با مدعی مگویید اسرار عشق و مستی تا بی خبر بمیرد در عین خود پرستی کی می‌خوام با خبر بشیم کی می‌خوایم خودمونو بشناسیم. دیر بجنبیم دیر میشه دیگه میگن وقتش گذشت فرعون پشیمون شد ولی دیر شده بود یه موقعی پشیمون شد که راه برگشت دیگه نداشت گاهی دیر میشه گاهی هم ما زیاده‌روی می‌کنیم دیر نشده ولی زیاده‌روی کرده می‌خواه غفلت هم کنی به اندازه غفلت کن خط قرمزها رو رد نکن. خط قرمزها را رد کنی باید تاوان سختی بدی تا طبت قبول شه یه گناهایی می‌کنیم گاهی اوقات خط قرمزها رو رد می‌کنه توبه‌اش سخت‌تر می‌شه خودمون می‌دونیم چیکار کردیم بعد می‌بینیم یه عمری گرفتاریم یه عمری گرفتاریم می‌گیم آخه ما چیکار کردیم آقا یه خط قرمزهای بود رد کردی بعضیا دیدید یهو رد میدن. یه کارایی می‌کنن یه چیزایی میگن یه کلمه حرف گاهی اوقات می‌بینی خط قرمز رد کرد میگن رده گفت مرتد شد عجیبه گناها با هم مساوی نیست لااقل حواسمون جمع باشه خط قرمزها رو رد نکنیم که وقتی حضرت تشریف آوردن راه دیگه‌ای واسش نمونه جز اینکه گردن ما رو بزنه نمیگم قبول نمی‌شه توبه کنی قبول میشه اما توبش هر چیکار کرد. خط قرمزها رو رد کرد جلو امام حسین گرفت با امام حسین در افتاد توبه کرد اما اول کسی که کشته شد حر بود باید توبه کردم رفتم خدا حافظ اینجوری که

نمیشه که کجا رفت کفشاشو با بندش که انداخت گردنش دولا دولا اومد خدمت امام حسین آقا غلط کرد میدونم خط قرمزها رو رد کردن امام حسینو می‌کشیم. بعد از شهادت امام حسین دیدن که یه اتفاقی افتاده که خط قرمزو رد شده اصلاً دیگه چیزی باقی نمونده چه خاکی به سر بریزیم ما دیگه نمی‌تونیم زندگی کنیم حس حق جویی و حق طلبی و فطرت الهیه اینا رو اومد وجدان اینا نمی‌گذاره زندگی کنه گفتن ما میریم میریم خودمونو به کشتن میدیم میریم می‌جنگیم. با دشمنان امام حسین که امام حسینو کشتن و خودمونم جزوش بودیم و یاری نکردیم و ساکت بودیم و همراهیم کردیم میریم با دشمنان امام حسین می‌جنگیم گفتن آقا به نتیجه نمی‌رسه‌ها زور شما کمه تعدادتون کمه نمی‌تونن موفق گفتن ما کاری ما اصلاً نمی‌خوایم موفق بشیم که ما می‌خوایم بریم کشته بشیم نمی‌تونیم دیگه زندگی کنیم بعد از امام حسین دیگه ما نمی‌تونیم زنده بگیم زنده باشیم. ما خط قرمزها را رد کردیم رد ندیم یه وقت خط قرمزها رو رد نکنیم یه خورده آرومتر یکم آهسته‌تر گناه کنیم یه ذره کمتر معصیت کنیم یه ذره کمتر غفلت داشته باشه ولی داره دیر میشه‌ها صدای پای کسی می‌آید نزدیک‌ها بعد از اینکه اومد دیگه وقتش نیست تا دیر نشده خودتو پیدا کن به خود بیا. فطرت الهیتو پیدا کن تو غیر خدا هیچی دیگه نمی‌خوای چرا تو توهم زندگی کنیم چرا وقتی از ما می‌پرسن چی می‌خوای یه چیزایی می‌گیم که بیخودیه همش آخرش می‌فهمیم که اینا رو نمی‌خواستیم مگر بچه بودی ازت می‌پرسیدن چی می‌خوای چیزایی که اون موقع می‌گفتی الان ازت بپرسن اونا رو می‌خوای باز می‌گه تموم شد دورش من اونا رو می‌خوام چیکار کنم اونا مال بچگیم هم بود. با خدا که ملاقات کنی دیگه غیر خدا هیچی دیگه نمی‌خوای میگی اینایی که من خیال می‌کردم می‌خوام نینا رو خیال می‌کردم می‌خوام یه توهمی بیش نبود من غیر حقیقت غیر لقاء خدا و خدا هیچی دیگه نمی‌خوام تا دیر نشده با خدا و حقیقت آنس بگیریم آرامش ما از خدا بگیریم نه از پول نه از دنیا نه از رفاه نه از آسایش نه اینکه اینا رو نداشته باش از اینا آرامشتو بگیر مگه هرکی آسایش داره باید آرامششم از آسایشش بگیره آرامشو از خدا بگیر از انس با خدا بگیر صلی الله علیه و آله حضرتفضل العباس خیلی چیزا دلش می‌خواست اما مگر به دلش عمل کرد. اگه آدم هرچی دلش می‌خواد باید به دلش بیاد لیلی به لالای دلت بزاری دیگه نمی‌تونی جمعش کنی سوارت میشه آزادیتو می‌گیره حریتتو از دست میدی بی‌چارت می‌کنه اسیرش میشی بردش میشی می‌خوای برده باشی مگه هرچی دلش آدم گفت باید آدم گوش کنه نگاه می‌کرد به امامش ببینه امام حسین چی می‌خواد. خیلی دلش می‌خواست بره به میدان یه وقت زورش نمی‌رسه خب ابوالفضل جرات نمی‌کرد کنار کسی وایسه طرف احساس حقارت می‌کرد از بس در مقابلش کوچیک بودن کوچولو بودن این هیکل اینقدر با فاصله وامیستاد که اینا احساس حقارت نکنند می‌خواست بره به میدان انتقام خون این همه شهیدو بگیره. ولی نمیره چرا نمیرم دل انسان تا اینجاها هم هست دیگه این که دیگه خیلی عالی‌ه خب برو دیگه نه من که نباید به حرف دلم گوش کنم من امام دارم من باید ببینم حقیقت چیه حق چی می‌گه خدا چی می‌گه خدای روی زمینه امام زمانه منه من باید ببینم امام حسین چی می‌گه

امام حسین فرمود برو آب بیار آقا بیارن. من با این هیکل با این قدرت با این جنگاوری من برم آب بیارم اینارم نگفتم اینارم نگو همه ارزش حضرت عباس علیه السلام به همیناشه به اطاعتش از حق و امام زمانش فلذا فرمودند که نافذ البصیره خیلی بامعرفت بود خیلی مشتی بود پا رو دلش گذاشت. ما تو گنااهش نمی‌تونیم پا رو دلمون بذاریم بابا گناهه پا بذار رو دلت تو جنگه با دشمن خدا پا می‌ذاره رو دلش خیلی فرقی با هم نداریم یه خورده با هم تفاوت ما با حضرت عباس علیه السلام فقط حضرت عباس علیه السلام بود ما بر شمر لعنت ما تو حرامش نمی‌تونیم جلو دلمونو بگیریم. اون تو حلالش تو واجبش تو حقش پا رو دلش گذاشت الان صلاح نیست برو آب بیار ماموریت تو اینه که باید در تاریخ الی یوم القیامه این درس برای همه بمونه که باید پا رو دلتون بذارین تا حقیقت عیان بشه تا به حق برسید هم خدا هم خرما نمی‌شه می‌شه ولی دیگه تا یه حدی دیگه. داره از حدش میگذره داره دیر میشه یا زنگی زنگ یا رومی روم تکلیفتو روشن کن داره میرسه به مرزی که دیگه باید یا این طرف وایسه یا اون طرف وایسه وسط نداره بجنبیم می‌خوای بفهمی زودتر بفهم وقت بذار برای خودت وقت بزار چرا نمی‌فهمم آخه چرا حق و باطل رو تشخیص نمیدن بجنب. وقت بزار ببین چرا نمیتونی بفهمی خدا بهت فهم داده چرا نمی‌تونی استفاده کنی ازش گیر کارت کجاست